



یافته‌های دیگری دربارهٔ ابونصر حدادی و برگی از مصحفی دیگر به خامهٔ عثمان وراق سید محمد عمادی حائری

معانی کتاب الله تعالی و تفسیره المنیر، اثر ابونصر احمد بن محمد بن حمدان حدادی، از قدیم‌ترین ترجمه / تفسیرهای فارسی قرآن است که در اواخر قرن چهارم یا اوایل قرن پنجم، احتمالاً در غزنین، تصنیف شده است. ترجمه و تفسیر حدادی، پس از تفسیر معروف به ترجمهٔ تفسیر طبری (نیمهٔ قرن چهارم)، در زمرهٔ کهن‌ترین ترجمه / تفسیرهای قرآنی و مقدم بر ترجمه / تفسیرهایی همچون تاج التراجم ابوالمظفر شاهفور اسفراینی (م ۴۷۱) و تفسیر التفاسیر ابوبکر عتیق سوربادی نیشابوری (م ۴۹۴) جای می‌گیرد. در این میان، ابونصر حدادی در استقلال ترجمهٔ قرآنی خود از نخستین ترجمهٔ قرآن (در ضمن ترجمهٔ تفسیر طبری)، از مفسرانی همچون شاهفور اسفراینی و عتیق نیشابوری نیز به مراتب جلوتر است و ترجمه‌های قرآنی وی گویای استقلال او از ترجمهٔ رسمی قرون چهارم و پنجم (نخستین ترجمهٔ قرآن) است.^۱ وجود نسخه‌ای سلطنتی از مجلد هشتم این ترجمه / تفسیر فارسی (با کتابت و تذهیب درخشان عثمان بن حسین وراق غزنوی در ۴۸۴ ق) که به دستور سلطان ابراهیم غزنوی (حک: ۴۵۱-۴۹۲ ق) فراهم آمده، از اهمیت و اعتبار این اثر در آن دورهٔ تاریخی حکایت می‌کند.

در مقدمهٔ چاپ نسخه‌برگردان آن دستنویس نفیس^۱، نگارنده دربارهٔ زمانه، منش فکری و روش ترجمه / تفسیر ابونصر حدادی سخن گفت و به شیوه و ابتکارات عثمان وراق در کتابت‌ها و تذهیب‌های قرآنی‌اش اشاره کرد. در نوشتهٔ حاضر، نخست به یافته‌های تازه‌ای دربارهٔ ابونصر حدادی اشاره می‌کنیم؛ و سپس از برگگی از یک مصحف قدیمی سخن می‌گوییم که احتمالاً عثمان وراق آن را کتابت و تذهیب کرده است.

۱

۱.۱. صفوان عدنان داودی در سال ۱۴۰۸ ق، دو اثر را با انتساب به ابونصر حدادی منتشر کرد: الموضح فی التفسیر^۲ والمدخل لعلم تفسیر کتاب الله تعالی^۳. اما محمد أجمل الإصلاحي در مقاله‌ای^۴ نشان داد که:

یک) اثر نخست (مندرج در برگ‌های ۲۲۹ تا ۲۴۱ دستنویس شماره ۳۸۸۳ کتابخانهٔ چستربیتی - دوبلین) اصل کتاب ابونصر حدادی نیست، بلکه تنها اشعار و شواهد الموضح اوست که از اصل اثر استخراج شده است (به قرینهٔ نوشتهٔ آخر رساله: «تمت الأشعار والشواهد فی التفسیر الموضح الحدادی [کذا؛ صحیح: للحدادی]»؛ ولی داودی آن را به عنوان اثر اصیل ابونصر حدادی، و آن هم با نام برساختهٔ «الموضح فی التفسیر»، منتشر کرده است. طرفه آنکه حدادی در اثر دوم (که پس از این از آن سخن خواهد رفت) از الموضح خود یاد کرده و چند سطری از آن را (به عین عبارت یا به مضمون) نقل نموده است،^۵ اما این متن منقول را در متنی که داودی با نام «الموضح فی التفسیر» چاپ کرده نمی‌توان یافت.

۱. نسخه‌برگردان این دستنویس، در زمستان سال گذشته با این مشخصات انتشار یافت: المجلد الثامن من معانی کتاب الله تعالی و تفسیره المنیر، ابونصر احمد بن محمد بن حمدان بن محمد حدادی (م پیش از ۴۸۴ ق)، کتابت و تذهیب عثمان بن حسین وراق غزنوی (در سال ۴۸۴ ق)، نسخه‌برگردان به قطع اصل دستنویس شماره ۲۰۹ بخش خزینهٔ امانت کتابخانهٔ کاخ‌موزهٔ تویقایی (استانبول)، با مقدمهٔ سید محمد عمادی حائری، تهران، کتابخانهٔ موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی (و) کاخ‌موزهٔ تویقایی (استانبول)، چاپ اول، ۱۳۹۰ ش.

۲. الموضح فی التفسیر، ابوالنصر احمد بن محمد ... السمرقندی المعروف بالحدادی، تحقیق صفوان عدنان داودی، دمشق (دارالقلم) - بیروت (دایرة العلوم)، ۱۴۰۸ ق.

۳. نک: حدادی، المدخل.

۴. نک: اصلاحي.

۵. حدادی، المدخل، ص ۱۰۷: «... و ذکر فی کتابی الموضح هذا القول، و قلت: لیس هذا من علی».

دو) اثر دوم (مندرج در برگ‌های ۲۴۶ تا ۳۶۸ همان دستنویس) در اصل نسخه عنوانی ندارد؛ اما فهرست‌نگار کتابخانه چستربیتی (قاعدتاً بر اساس نوشته ابونصر حدادی در مقدمه)^۱ آن را «المدخل فی علم تفسیر القرآن» عنوان‌گذاری کرده، و داودی نیز (بدون هیچ توجیه و توضیحی، و طبعاً بر اساس همان عبارت حدادی) آن را با نام «المدخل لعلم تفسیر کتاب الله تعالی» منتشر نموده است. از سوی دیگر، تصویر دستنویسی در دارالکتب المصریة (قاهره) محفوظ است با عنوان «المنتخب من تحفة الولد للإمام المفسر أحمد بن محمد الحدادی» از ابومحمد علی بن قاسم بامیانی؛ و در فهرست دارالکتب (۱۱۴/۳) آمده است که این اثر در ۱۲۷ باب تدوین شده و موضوع آن «وجوه و نظایر قرآنی» است. اصلاحی حدس می‌زند که عنوان اصلی متنی که با نام «المدخل» به چاپ رسیده «تحفة الولد» باشد، و منتخب بامیانی نیز برگزیده‌ای از آن؛ چنان‌که حدادی خود در مقدمه آن می‌گوید: «صنفت کتابی هذا تحفة لولدی». البته اصلاحی این پرسش را نیز پیش کشیده که آیا «تحفة الولد» عنوان اصیل اثر است یا نامی است که بامیانی (بر اساس عبارت حدادی در مقدمه) بر آن نهاده است؟

۲.۱. در سرآغاز مقدمه کتاب موسوم به المدخل (یا: تحفة الولد؟)، چنین عبارتی درج شده است: «قال الفقیه الإمام المفسر الزاهد ابونصر احمد بن محمد بن احمد بن محمد الحدادی - رضی الله عنه حیاً ومیتاً -»^۲؛ اما در اصل نسخه خطی - که داودی تصویر آن را در مقدمه خود آورده - به وضوح چنین آمده است: «... ابونصر احمد بن محمد بن حمدان...»^۳. در حقیقت، داودی - حتی بدون هیچ یادآوری در پانویس - ضبط نسخه خطی را تغییر داده است (و کتاب را هم با همین تبدیل در نسب مؤلف به چاپ رسانده)؛ حال آنکه ضبط این نسخه منحصر به فرد با نوشته عثمان وراق (در سال ۴۸۴ق) در صفحه عنوان معانی کتاب الله وتفسیره المنیر^۴ کاملاً هماهنگ است.

۱. همان، ص ۵۱: «إني لما فرغت من تصنيف كتاب الموضح لعلم القرآن، صنفت كتابي هذا تحفة لولدي - محمد نعمة الله - وصلة مني إياه وهدية له ولسائر إخواني من المسلمين...؛ وجعلته مدخلاً لعلم تفسیر كتاب الله تعالی ومعانيه وتبنيهاً على ما غمض من طرقه ومبانيه...».

۲. همان، ص ۵۱.

۳. نک: همان، ص ۴۶.

۴. نک: حدادی، معانی کتاب الله، ص ۱.

ظاهراً داودی بر اساس متن ابن جزری (م ۸۳۳ ق) در غایة النهاية «حمدان» را - در نسب ابونصر حدادی - به «احمد» تغییر داده است.^۱ ابن جزری در کتاب خود از کتاب الغنیة فی القراءات ابونصر حدادی یاد می‌کند و - گویا بر اساس نسخه‌ای از همان کتاب - دربارهٔ مؤلف آن می‌نویسد: «احمد بن محمد بن احمد ابونصر السمرقندی^۲ يعرف بحدادی، إمام بارع ناقل رخال؛... وألف کتاب الغنیة فی القراءات، و ذکر أنه قرأ علیهم^۳ فی بلاد متفرقة، فدل علی رحلته الواسعة؛ قال: «وإنما أتیت بذكر هؤلاء المشایخ افتخاراً بذكرهم وترغیباً فی الدعاء لهم وإعلاماً لمن أراد أن یقتدی بهم؛ فیعلم أننی ما أخذتها من وجه أو طریق واحد...»؛^۴ وكان شیخ القراء بسمرقند، انتهى إلیه التحقیق والروایة، وبقی إلی بعد الأربعمئة».

۱. بیشتر اطلاعاتی که صفوان داودی (در مقدمهٔ خود بر المدخل، ص ۱۷-۲۲، ۲۵-۲۷) دربارهٔ حدادی و مشایخ وی به دست می‌دهد، مبتنی بر مقولات ابن جزری در غایة النهاية (ذیل عنوان حدادی و مشایخ وی) است.
 ۲. نسبت «سمرقندی» برای ابونصر حدادی را تنها در متن ابن جزری می‌توان یافت (که از وی با عنوان «شیخ القراء بسمرقند» نیز یاد می‌کند و از اقامت وی در آنجا و قرائت نزد مشایخ سمرقندی او یاد می‌کند)؛ و ظاهراً داودی نیز این نسبت را به نقل از او در پشت جلد کتاب‌های منتشر کرده‌اش آورده است. نسبت «سمرقندی» که ابن جزری برای ابونصر حدادی آورده، احتمال یکی بودن ابونصر حدادی را با ابونصر احمد بن محمد قرشی سمرقندی که نسفی در القند از وی یاد کرده و نیز ابونصر سمرقندی (م ۴۵۵ ق؛ از مشایخ کرامیه) که برای مؤلف رونق المجالس حکایت گفته (نک: عمادی حائری، «مقدمه»، ص ۱۴ و پانوش ۱۱ همان‌جا) تا اندازه‌ای تقویت می‌کند. از سوی دیگر، حسن انصاری در یادداشتی دربارهٔ منابع تفسیر تلخیص الدرر (منسوب به عبدالحمید بن عبدالحمید الحاکمی، که تفسیرش را سال ۵۱۴ ق تکمیل کرده است)، یکی از این منابع را «الموضح فی التفسیر» تألیف «الشیخ الإمام الزاهد ابونصر احمد بن محمد الحدادی الفریومی» معرفی می‌کند (نک: انصاری). آیا ممکن است که نسبت «سمرقندی» برای حدادی (در متن ابن جزری) تصحیف «فریومی» باشد (همچنان‌که «حمدان» در نسب وی به «احمد» تصحیف شده است)؟ در هر حال، مؤلف تلخیص الدرر با این سند از الموضح نقل قول کرده است: «أخبرنی به الشیخ الإمام شیخ الإسلام ناصح‌الدین منبّه بن محمد المخلصی عن الشیخ الإمام الزاهد محمد بن احمد الحدادی عن والده مصنف الكتاب الشیخ الإمام الزاهد ابی نصر احمد بن محمد الحدادی الفریومی - غفر الله لهم جمیعاً -» (همان‌جا). نمی‌دانیم که عنوان «الموضح فی التفسیر» در اصل دستنویس تلخیص الدرر حاکمی (نسخهٔ شمارهٔ ۲۴۸ کتابخانهٔ نورعثمانیه - استانبول) آمده یا انصاری به تأسی از عنوان متن چاپی داودی از آن با این نام یاد کرده است.

۳. یعنی کسانی همچون: ابویحیی محمد بن سلیمان خیاط (که حدادی بارها بر او ختم قرآن کرد و بیست سال در سمرقند ملازم وی بود)، ابوالقاسم فسطاطی (م ح ۳۷۰، که حدادی در سمرقند بر او قرائت کرد)، ابوسعید سختیانی (که حدادی پس از سال ۳۶۰ در سمرقند بر او قرائت کرد)، ابو حفص کتانی (بغدادی؛ م ۳۹۰)، ابوالقاسم ضریر (بغدادی؛ م ۴۰۱)، ابوسعید سیرافی (م ۳۶۸)، محمد بن عباس خزاز (بغدادی؛ که حدادی در حدود سال ۳۷۰ در بغداد بر او قرائت کرد) و ابوبکر شدائی (بصری؛ م ۳۷۳). برای اطلاعات بیشتر در باب مشایخ حدادی، نک: مقدمهٔ داودی بر المدخل، ص ۱۸-۲۲.
 ۴. ابن جزری، ج ۱، ص ۱۰۵.

با توجه به آنچه گذشت، جز معانی کتاب الله تعالی و تفسیره المنیر و بساتین المذکرین،^۱ ابونصر حدادی دست کم سه اثر دیگر داشته است: کتاب الموضح لعلم القرآن، کتابی با نام احتمالی تحفة الولد، والغنیة فی القرائات.

۳.۱. گفتیم که در سرآغاز مقدمه کتاب موسوم به المدخل (یا: تحفة الولد؟)، چنین عبارتی درج شده است: «قال الفقیه الإمام المفسر الزاهد ابونصر احمد بن محمد بن احمد بن محمد الحدادی - رضی الله عنه حیاً ومیتاً -».^۲ پیداست که تعبیر «الفقیه الإمام المفسر الزاهد» از سوی راوی/کاتب اثر برای ابونصر حدادی (مصنّف) به کار رفته است. جز این، گاه در آغاز ابواب و بیشتر در میانه متن، عبارت «قال الشيخ الإمام الزاهد - رضی الله عنه -»^۳ یا «قال الشيخ الإمام - رضی الله عنه -»^۴ نیز دیده می‌شود. این پرسش مطرح بوده است که مقصود از «خواجه امام» که به تکرار از او در تفسیر فارسی حدادی (معانی کتاب الله تعالی و تفسیره المنیر) نقل قول شده (با عبارت: «گفت خواجه امام - رضی الله عنه -») کیست؟^۵ صرف نظر از احتمالاتی که در این باره داده شده،^۶ شاید تکرار عبارت «قال الشيخ الإمام - رضی الله عنه -» یا «قال الشيخ الإمام الزاهد - رضی الله عنه -» در المدخل (یا: تحفة الولد؟) موهم این باشد که مقصود از «خواجه امام» در معانی کتاب الله نیز خود ابونصر حدادی است و عبارت «گفت خواجه امام - رضی الله عنه -» در معانی کتاب الله هم افزوده راوی/کاتب است که با این تعبیر از مصنّف یاد کرده است. قرینه‌ای که می‌تواند این احتمال را تقویت کند آن است که مؤلف تفسیر بصائر یمینی از ابونصر حدادی با همین عنوان نام می‌برد و نقل قول می‌کند:^۷ «خواجه امام مفسر احمد حدادی - تغمده الله برحمته - گوید: ایزد تعالی بنده مؤمن را سه چیز داده است...»^۸ و در جایی دیگر: «خواجه امام حدادی که مصنّف تفسیر منیر

۱. نک: عمادی حائری، «مقدمه»، ص ۱۵.

۲. حدادی، المدخل، ص ۵۱.

۳. نک: همان، ص ۵۳، ۵۹، ۶۶، ۹۴، ۱۰۱، ۲۹۰، ۳۴۶، ۳۹۱، ۵۴۹، ۵۲۲، ۵۹۲؛ نیز: ص ۲۸۲: «هكذا وجد الشيخ الإمام الزاهد - رضی الله عنه -».

۴. نک: همان، ص ۸۷، ۱۰۵-۱۰۶، ۱۲۹، ۱۳۲، ۱۴۷، ۲۰۶، ۲۲۸، ۲۳۳، ۴۰۵، ۵۲۵، ۵۷۸.

۵. نک: عمادی حائری، «مقدمه»، ص ۱۷-۱۸.

۶. نک: همان، ص ۱۷.

۷. افسوس که تفسیر آیاتی که نیشابوری در ذیل آنها از حدادی و تفسیر منیر او نقل قول می‌کند، در نسخه‌های معانی کتاب الله و تفسیره المنیر (تفسیر قرآن پاک، تفسیری بر عشر [= نسخه بریتانیا] و نسخه برگردان [= نسخه توپقایی]) باقی نمانده تا مجال مقایسه میان منقولات نیشابوری و اصل عبارت حدادی فراهم شود.

۸. نیشابوری، ج ۱، ص ۲۷.

است گوید: ... سبحانه الله رحمت ایزدی بر عاصیان...^۱ اما اگر توجه داشته باشیم که در جایی حدادی پس از نقل قول «شیخ امام» نظر مخالف خود را (در برهه‌ای زمانی) بیان می‌کند،^۲ تردید نمی‌کنیم که «خواجه امام» معانی کتاب الله - همچون «الشیخ الإمام» در المدخل - نه ابونصر حدادی، که یکی از مشایخ است.

۴.۱. در مقدمهٔ کتاب موسوم به المدخل (یا: تحفة الولد؟)، حدادی تصریح می‌کند که پس از فراغت از کتاب الموضح لعلم القرآن، کتاب حاضر را به عنوان «تحفه» ای برای فرزندش «محمد نعمت‌الله» تصنیف کرده و آن را مدخلی برای «علم تفسیر کتاب الله تعالی و معانی» آن قرار داده است.^۳ عبارت حدادی در توضیح موضوع کتاب (علم تفسیر کتاب الله تعالی و معانی)^۴ با عنوان تفسیر فارسی وی (معانی کتاب الله تعالی و تفسیره المنیر) کاملاً هماهنگ است. فرزند او (محمد) نیز هموست که در کنار مزار پدرش در غزنین به خاک سپرده شده است^۵ و نام وی در سلسلهٔ سند منقول در تلخیص الدرر حاکمی آمده؛^۶ و شاید همین محمد باشد که مؤلف تفسیر بصائر یمینی با عنوان «شیخ الحرمین محمد حدادی - رحمه الله -» از او نام می‌برد.^۷

۵.۱. خاندان حدادی و احفاد او، در خراسان بزرگ قرن پنجم و ششم خانواده‌ای مشهور به علوم دینی و وعظ و خطابه بوده‌اند،^۸ و همچنین معاضد و همراه سلاطین

۱. همو، ج ۱، ص ۸۱.

۲. حدادی، المدخل، ص ۱۰۶-۱۰۷: «ومنها قوله تعالى: عیناً فیها تسمی سلسبیلأ. قال الشيخ الإمام - رضی الله عنه - عن علی بن ابی طالب فی معناه: "سل ربک إلیه سبیلأ". فأول ما قرع سمعی هذه المقالة كنت أبدی عجباً وقلت: لیس هذا من قیل علی - رضی الله عنه - مع فصاحته وفضله، وأین خبر "تسمی"؟ وذکرت فی کتابی الموضح هذا القول، وقلت: لیس هذا من علی؛ حتی وجدت فی بعض کتب المتقدمین أن هذا من قیل علی - رضی الله عنه - فسلمت، وعددت من جملة ما ورد من أهل التفسیر مما لا أصل له فی اللغة».

۳. همان، ص ۵۱: «إتی لَمَا فرغت من تصنیف کتاب الموضح لعلم القرآن، صنفت کتابی هذا تحفة لولدی - محمد نعمة الله - وصلة منى إياه وهدية له ولسائر إخوانی من المسلمین ... وجعلته مدخلاً لعلم تفسیر کتاب الله تعالی ومعانیه وتنبیهاً علی ما غمض من طرقه ومبانیه ...».

۴. نک: پانوشت پیشین.

۵. نک: پس از این: ۶.۱.

۶. نک: همین مقاله حاضر، ص ۱۱۹، پانوشت ۲.

۷. نیشابوری، ج ۱، ص ۳۰۴.

۸. برای اشاره‌ای به وعظ‌پیشگی حدادی، نک: عمادی حائری، «مقدمه»، ص ۱۵.

غزنوی؛ چنان‌که سنایی غزنوی (م. ۵۲۹ ق) می‌گوید: نیک پشٹی آمدند الحق نهاد شرع را / آل محمود از سنان و آل حداد از زبان.^۱

۶.۱. شیخ محمدرضا خراسانی (م. ۱۳۶۱ ق؛ که کتابت اثر خود با عنوان ریاض اللواح را در صفر ۱۳۲۶ ق به پایان برده) اطلاعات ارزشمندی دربارهٔ مسجد و مزار حدادی در غزنین به دست می‌دهد.^۲ وی محل مزار ابونصر حدادی را - که در زمان تألیف ریاض اللواح به «زیارت امام احمد حداد» مشهور بوده -^۳ در جنوب شهر غزنین و جنوب شرقی بقعهٔ حکیم سنایی غزنوی نشان می‌دهد.^۴ خراسانی می‌نویسد که «لوح قبر امام احمد حداد یافت نشد، لکن در بالای همین قبر - که مشهور به «زیارت امام احمد حداد» است - دو لوح دیده شد: یکی به نام محمد بن امام احمد، و دیگری به نام محمود العامر بن حداد بن محمد بن احمد». ^۵ او «عبارت لوح قبر [محمد] پسر امام احمد» را چنین گزارش می‌کند: «ابی‌بکر محمد بن الشیخ الإمام احمد بن محمد الحدادی رضی الله عنهما»؛^۶ و در ادامه می‌گوید که از این مزارها و الواح «معلوم می‌شود که این زمین حظیرهٔ امام احمد حداد بوده و البته در همین زمین مدفون شده باشند».^۷

خراسانی همچنین از وجود «مسجدی بسیار کلان»^۸ در کنار مزار حدادی خبر می‌دهد. به نوشتهٔ او، از عبارت پاره‌سنگ‌هایی که در نزدیکی مزار امام احمد دیده شده، می‌توان دانست که «آن سنگ‌ها از مسجدی بوده که برای ابی‌نصر احمد بن محمد حدادی ساخته شده است».^۹ خراسانی (ص ۱۳۵-۱۳۷) در روضهٔ پنجم ریاض اللواح از «زمین مشهور به چهل مسجد... در... نزدیک مزار امام احمد حداد» سخن می‌گوید «که در پشتهٔ امام واقع است»، و به پاره‌سنگ‌هایی اشاره می‌کند که بر زمین «بالای هم

۱. سنایی، ص ۴۲۳، بیت ۴. سنایی قصیده‌ای نیز در مدح یکی از اعضای این خانواده با نام علاء‌الدین محمد بن یوسف حدادی سروده است (نک: همو، ص ۲۰۹ به بعد).

۲. اطلاع از این منبع و ذکر مزار حدادی در آن را مرهون آقای بهروز ایمانی هستم. به عنوان وظیفه‌ای دلپذیر، از ایشان سپاسگزاری می‌کنم.

۳. خراسانی، ص ۷۴.

۴. همان‌جا.

۵. همان‌جا.

۶. همان‌جا.

۷. همان‌جا.

۸. همو، ص ۱۳۶.

۹. همو، ص ۷۴.

یافته‌های دیگری دربارهٔ ابونصر حدادی و برگی ... □ ۱۲۳

ریخته‌اند» و روی «هر کدام از آنها کلمه‌هایی چند به خط کوفی مرقوم است»^۱ وی یادآور می‌شود که محراب این مسجد در «پهلوی مزار امام احمد حداد... هنوز باقی است... و عبارت محراب به خط کوفی این است: "أمر الأمير السيد الملك المؤيد شهاب الدولة وقطب الملة وفخر الأمة ابو الفتح مودود بن مسعود - أطال الله عمره - . حرره هذه من شهر سنة ست (اصل: سته؛ كذا) و ثلثین و اربعمائة"^۲.

خراسانی عبارات کوفی سنگ‌پاره‌ها را چنین مرتب و نقل کرده است: «بسم الله الرحمن الرحيم لا اله الا الله محمد رسول الله (و حبيب الله) (ابوبكر الصديق) (و على المرتضى ولى الله) (فعلى محبتهم رحمة الله) (اهل بيته و من بعدهم لكل عالم ينتحل مذهب المسلمين) (ابى حنيفة النعمان بن ثابت) (مجلساً لذكر راحة القلوب الامام الزاهد ابى نصر احمد بن محمد حدادی رحمه الله [و] رضى الله عنهما»^۳. به استنباط خراسانی، «چون آن کلمات به یکدیگر تطبیق داده شود چنان معلوم می‌شود که آن سنگ‌ها از دیوار مسجد بوده است و نوشته‌های آن خطبه‌ای بوده است مشتمل بر اصول عقاید»^۴ که البته وجه استنباط اخیر وی دقیقاً معلوم نیست.

۲

از عثمان بن حسین وراق غزنوی (کاتب و مذهب نادره کار قرآن در قرن پنجم)، تا کنون کتابت و تذهیب دو دوره قرآنی شناخته شده است:
۱.۲. دستنویس سی پاره قرآن؛ محفوظ در: گنجینه قرآن آستان قدس رضوی (مشهد - ایران)

این مصحف سی مجلد است و هر مجلد از آن دربردارندهٔ یک جزء قرآن است. عثمان وراق این دوره قرآنی را طی چهار سال، از سال ۴۶۲ تا سال ۴۶۶ ق، به امر ابوجعفر محمد بن احمد عبدوسی کتابت و تذهیب کرده است. تاریخ کتابت اجزای این مصحف البته به ترتیب قرآنی نیست؛ چنانکه جزء ۶ به سال ۴۶۲، جزءهای ۴ و ۵ و ۳۰

۱. همو، ص ۱۳۵-۱۳۷.

۲. همو، ص ۱۳۷.

۳. همو، ص ۱۳۶.

۴. همان‌جا.

به سال ۴۶۴، و جزء‌های ۱ و ۲۲ و ۲۵ و ۲۸ به سال ۴۶۶ کتابت و تذهیب شده است.^۱ گلچین معانی در سال ۱۳۴۷ ش، دو جزء (جزء ۱ و ۲۲) از این مصحف را در راهنمای گنجینه قرآن معرفی کرد؛^۲ و چندی بعد اجزای دیگر این دوره را یافت، و جزء دهم آن را نیز از موزه ایران باستان (تهران) به گنجینه آستان قدس بازگرداند؛^۳ و بعداً ضمن گزارش کشف مجلدات این دوره، شرحی در وصف اجزای آن نوشت.^۴ گلچین معانی ضمن معرفی‌های خود تصاویری از مجلدات این مصحف را به چاپ رسانده؛ و جز آن نیز تصاویری پراکنده از آنها در برخی کتاب‌ها و مجموعه‌ها منتشر شده است.^۵ با همه اینها، هنوز جای یک معرفی مفصل‌تر از مجلدات این مصحف سی‌پاره خالی است؛ همچنان که نشر نسخه‌برگردان آنها را باید یک ضرورت فرهنگی - هنری شمرد.

۲.۲. دستنویس تفسیر معانی کتاب الله تعالی و تفسیره المنیر؛ محفوظ در: مجموعه خزینة امانت کاخ موزه توپقاپی (استانبول - ترکیه)

این دستنویس، مجلد هشتم از دوره احتمالاً چهارده جلدی^۶ تفسیر فارسی معانی کتاب الله تعالی و تفسیره المنیر تصنیف ابونصر احمد بن محمد بن حمدان حدادی است. از دیگر مجلدات این دوره تا کنون نشانی یافت نشده است. عثمان وراق مجلد هشتم را در سال ۴۸۴ ق به امر سلطان ابراهیم غزنوی کتابت و تذهیب کرده است.^۷ این دستنویس، ترجمه و تفسیر فارسی را نیز به همراه متن قرآنی در بردارد؛ و این ویژگی مهمی برای دستنویس توپقاپی در برابر مصحف سی‌پاره آستان قدس است. نسخه‌برگردان همین دستنویس است که در سال گذشته در تهران انتشار یافت.

۳.۲. اما چندی پیش، وب‌گاه نگارخانه‌های فریر - سکلر (FREER | SACKLER) از موزه‌های وابسته به مؤسسه اسمیتسونین (Smithsonian) در واشینگتن دی‌سی (آمریکا)، تصویر برگی فرسوده و ترمیم‌شده از قرآن (تصویر ۵: دربردارنده سوره لیل، آیات ۱-۵)

۱. گلچین معانی، «شاهکارهای...»، ص ۵۵-۵۶.

۲. همو، راهنمای...، ص ۴۹-۵۰.

۳. نک: همو، «شاهکارهای...»، ص ۴۸-۵۵.

۴. نک: همان، ص ۴۸-۵۵.

۵. برای تصاویری از کتابت، تذهیب و ترقیمه‌های این مصحف با ذکر منابع انتشار، نک: عمادی حائری، «کهن‌ترین...»، ص ۷۱-۸۰.

۶. نک: عمادی حائری، «مقدمه»، ص ۱۳ و پانوش ۴ همان‌جا.

۷. نک: همان، ص ۲۱.

یافته‌های دیگری دربارهٔ ابونصر حدادی و برگه ... ۱۲۵ □



تصویر ۵: برگه از قرآن، نگارخانه هنر فریر: F1929.70



تصویر ۲: المجلد الثامن من معاني كتاب الله تعالى و تفسيره المنير، چاپ نسخه بر گردان، ص ۴



تصویر ۱: مصحف آستان قدس رضوی، جزء ۱، ص ۴



تصویر ۴: المجلد الثامن من معاني كتاب الله تعالى و تفسيره المنير، چاپ نسخه بر گردان، ص ۳۷۷



تصویر ۳: المجلد الثامن من معاني كتاب الله تعالى و تفسيره المنير، چاپ نسخه بر گردان، ص ۵۶

یافته‌های دیگری دربارهٔ ابونصر حدادی و برگی ... ۱۲۷ □

را منتشر کرد^۱ که اصل آن به شماره F1929.70 در نگارخانه هنر فریر (Freer Gallery of Art) نگهداری می‌شود. کارشناسان نگارخانه، مشخصات این برگ را چنین ثبت کرده‌اند: قرن ۱۱ [م: ۵ هجری]؛ جوهر، رنگ و طلا بر روی کاغذ؛ طول: ۲۲/۸ س.م، عرض: ۱۸/۲ س.م؛ [از: ایران].^۲

کتابت، تذهیب و نسخه‌آرایی این برگ از قرآن (تصویر ۵)، با کتابت و تذهیب و نسخه‌آرایی عثمان و راق در مصاحف آستان قدس و توپقایی مشابهت‌هایی بسیار دارد و این احتمال را به ذهن می‌آورد که این دستنویس برگی از مصحفی دیگر به کتابت و تذهیب عثمان و راق است.

همانندی شکل کتابت «بسم الله الرحمن الرحيم» به‌ویژه در کتابت حرف «م» در کلمه «الرحمن» (قس: تصویر ۵ با تصاویر ۲-۴؛ بر خلاف دستنویس آستان قدس در تصویر ۱)، همانندی در کتابت حرف «ی» در پایان کلمات (قس: تصویر ۵ با تصویر ۲ [س آخر: «حتی»] و تصویر ۴ [س آخر: «شی»]) و کتابت حرف «ه» در میانه کلمات (قس: تصویر ۵ [س ۲: «النهار»] با تصویر ۳ [«کهیص»])، افزودن شکل کتابتی نسخ برخی حروف در ذیل کتابت کوفی ایرانی آنها (قس: تصویر ۵ [«س» در «بسم» و «ح» در «الرحمن»] با تصویر ۱، ۳ و ۴ [همان حروف در همان کلمات])، همانندی رنگ اعراب‌ها (سرخ و آبی تیره) و رنگ زر نقطه‌ها و دورگیری (تکحیل) آنها (قس: تصویر ۵ با تصویر ۱-۴)، از جمله شباهت‌های دستنویس فریر با دیگر دستنویس‌های عثمان و راق است.

قطع دستنویس فریر (۱۸/۲ × ۲۲/۸ س.م) به قطع دستنویس آستان قدس (۲۰/۵ × ۲۶ س.م) نزدیک‌تر است و همانند آن - برخلاف دستنویس توپقایی (۲۴/۵ × ۳۴ س.م) که حاوی متن قرآنی به همراه ترجمه و تفسیر فارسی است - بیشتر مربع‌مانند است تا مستطیل‌شکل؛ و از این حیث کهن‌نماتر از دستنویس توپقایی است.^۳

در برابر این شباهت‌ها، دستنویس فریر - بر خلاف دستنویس‌های آستان قدس و توپقایی - کتیبه مذهب آغاز سوره را ندارد، نشانه‌های پایان آیات در آن با دستنویس‌های آستان قدس و توپقایی مشابه نیست (قس: تصویر ۱ با تصاویر ۱-۴) هرچند

1. <http://www.asia.si.edu/collections/singleObject.cfm?ObjectNumber=F1929.70>

۲. همان‌جا.

۳. دربارهٔ تجدیدگرایی عثمان و راق در قطع مستطیل‌شکل دستنویس توپقایی، نک: عمادی حائری، «مقدمه»، ص ۲۸.

همانند آنها تذهیب‌هایی در حاشیه برای ذکر محل نزول سوره (با درج کلمه «مکیه» به خط کوفی درون آن) و نشان دادن پنج‌آیه نقش شده است، و همچنین در آن دو نقطه درون حرف «ی» در کلمات پایان آیات هست که نمونه آن در دستنویس تویقایی دیده نمی‌شود و شاید در دستنویس آستان قدس نیز یافت نشود. اما تنوع کتابت و تذهیب و نسخه‌آرایی‌های عثمان و راق که حتی در یک دستنویس واحد هم جلب توجه می‌کند، می‌تواند همه این تفاوت‌ها را توجیه کند.

بر این اساس، آیا اینک می‌توان گفت برگی دیگر (دستنویس فریر) از مصحفی دیگر با کتابت و تذهیب و نسخه‌آرایی عثمان و راق غزنوی به دست آمده و گنجی نویافته از هنر قدسی ایرانیان مسلمان چهره گشوده است؟

یافته‌های دیگری دربارهٔ ابونصر حدادی و برگی ... □ ۱۲۹

منابع

۱. ابن جزری، محمد بن محمد، غایة النهاية فی طبقات القراء، به کوشش ج. برجستراسر، قاهره، مکتبه المتنبی، بی‌تا.
 ۲. إصلاحی، محمد، «أهذا كتاب الموضح لعلم القرآن للحدادی!»، المدینة، سال ۱۵، شماره ۳۴، ۶ جمادی الثاني ۱۴۱۲ ق (برای متن بخشی از این مقاله، نک: www.alukah.net/web/alshehry/10824/26569).
 ۳. انصاری، حسن، «تفاسیر خراسانی قرآن: تفسیر حدادی و تفسیر حاکمی»، در: وبنوشت بررسی‌های تاریخی (ansari.kateban.com)، ۱۲ دی ۱۳۹۱ ش.
 ۴. حدادی، ابونصر احمد بن محمد، المدخل لعلم تفسیر کتاب الله تعالی [کذا]، به کوشش صفوان عدنان داودی، دمشق (دارالقلم) و بیروت (دایرة العلوم)، ۱۴۰۸ ق.
 ۵. همو، معانی کتاب الله تعالی و تفسیره المنیر (المجلد الثامن)، کتابت و تذهیب عثمان بن حسین و راق غزنوی (در سال ۴۸۴ ق)، نسخه بر گردان به قطع اصل دستنویس شماره ۲۰۹ بخش خزینة امانت کتابخانهٔ کاخ موزهٔ توپقاپی (استانبول)، با مقدمهٔ سید محمد عمادی حائری، تهران، کتابخانهٔ موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی - کاخ موزهٔ توپقاپی (استانبول)، ۱۳۹۰ ش.
 ۶. خراسانی، محمدرضا، ریاض الألواح (مشمول بر کتیبه‌های قبور و ابنیهٔ غزنه)، کابل، انجمن تاریخ افغانستان، ۱۳۴۶ [ش].
 ۷. سنایی غزنوی، ابوالمجد محدود بن آدم، دیوان، به کوشش محمدتقی مدرس رضوی، تهران، انتشارات سنایی، چاپ پنجم، ۱۳۸۰ ش.
 ۸. عمادی حائری، سید محمد، کهن‌ترین نسخهٔ مترجم قرآن: تحلیل متن، بررسی دستنویست، زیبایی‌شناسی هنر قدسی، آینهٔ میراث، ضمیمهٔ شماره ۱۹، ۱۳۸۹ ش.
 ۹. همو، «مقدمه»، نک: حدادی، معانی کتاب الله تعالی و تفسیره المنیر.
 ۱۰. گلچین معانی، احمد، راهنمای گنجینهٔ قرآن، مشهد، آستان قدس رضوی، ۱۳۴۷ ش.
 ۱۱. همو، «شاهکارهای هنری شگفت‌انگیزی از قرن پنجم هجری و سرگذشت حیرت‌آور آن»، هنر و مردم، ش ۱۵۷، آبان ۱۳۵۴ ش.
 ۱۲. نیشابوری، معین‌الدین محمد بن محمود، تفسیر بصائر یمینی، جلد اول، به کوشش علی رواقی، تهران، بنیاد فرهنگ ایران، ۱۳۵۹ ش.
13. <http://www.asia.si.edu/collections/singleObject.cfm?ObjectNumber=F1929.70>

